بسم الله الرحمن الرحیم

* یک سوال می خوام بپرسم ، همه بهش فکر کنیم
* چه چیزهایی برامون تو زندگی ارزشه ؟
  + تحصیلات ، خانواده ، فرزندان ، شغل ، پول ، حرفه ی ورزشی و ...
* یک راه شناخت ارزشهای زندگیمون اینه که ببینیم برای چه چیزهایی در زندگیمون بیشترین وقت رو می ذاریم .
  + روزی 8 ساعت کار می کنم پس نشون می ده که برامون ارزش داره
  + تحصیلات وقت ویژه از ما می گیره
  + برای پول درآوردن انرژی و وقت ویژه می ذارم
  + تربیت فرزندانم
  + وقت گزاری برای خانواده
* حالا سوال ایجاست که چه چیزهایی برامون ارزش بالاتری نسبت به بقیه داره . چجوری می تونیم ارزش های والای زندگیمون رو بشناسیم ؟
  + بزارید براتون یک مثال بزنم : فرض کن داری می ری یک قرارداد تجاری پر سود که وقت زیادی هم برای جفت و جور کردنش گذاشتی ، ببندی ! تو مسیر بهت خبر می دن که خدایی نکرده برای مادرت اتفاقی افتاده و الآن بیمارستانه ! این شرایط می شه شرایط بحرانی ، انتخاب ما تو این موقعیت ، ارزش بالای یکی رو نسبت به دیگری نشون می ده . اگر من رففتم سراغ مادرم ، نشون می ده که مادر برای من در زندگی از ارزش والایی برخورداره و بالعکس
* پس در شرایط بحرانی ما می تونیم ارزش های اصلی زندگیمون رو شناسایی کنیم .
* ارزشهایی که اگر بخواییم شمارش کنیم ، شاید تعدادش بیشتر از انگشتهای یک دست نشه
  + خانواده ، باور ها ، اعتقادات ، فرزندان ، پول ...
* اینا ارزشهایی هستند که خیلی وقتها حاضریم جونمون رو بدیم ولی اینها رو از دست ندیم
* برای حفاظت از اینها همه کاری انجام می دیم . مثلاً همه تجربه کردیم وقتی از بانک بیرون می آییم و پول زیادی همراهمونه ، نگرانیم ، حواسمون جمع که تو شلوغی خیابون و ازدهام اتوبوس و مترو یک وقت کسی از غفلت ما سواتفاده نکنه و جیبمون رو بزنه ! خلاصه دو دستی ارزش هامون رو چسبیدیم !
* سوال ؛ اگر شما بدونید که فلانی کلاه برداره ، حاضرید باهاش معامله کنید؟
  + اگر بعد از یک بار معامله با کسی فهمیدی که طرف کلاه برداره ف حاضری باز هم باهاش معامله کنی؟
    - طبیعتاً نه !
* پس چرا حواسمون نیست ، من شمایی که اینهمه حواسمون جمع ، دو دستی ارزش هامون رو چسبیدیم که کسی ازمون نگیره ، حواسمون نیست که یک دزد کلاهبرداره خبیث حرفه ای فرصت طلب در زندگیمون وجود داره که بار ها کلاهمون رو برداشته ، ارزش هامون رو ازمون گرفته و لیکن باز هم با یک پیشنهاد جدیدش ، در خونمون رو بروش باز می کنیم !
  + اون موجود کیه؟!
    - شیطان !
* ابلیس ، همون دزد خبیثیه که لحظه به لحظه منتظر تا ما غفلت کنیم تا ارزش های زدنگیمون رو بگیره
* موجودی با تاریخچه ی طولانی
* تاریخچه ای عجیب که خیلیهامون شاید باهاش آشناییم
* موجودی که می شه ادعا کرد از تمام ما ها خدا شناس تره ، از همه ی ما قوانین نقشه ی زندگی رو بهتر می دونه ، از همه بهتر مسیر سعادت رو می شناسه
* موجودی که یک بخش از عبادتش در درگاه خداوند 6000 سال طول کشید وقتی خداوند دستور می ده که به این مخلوق من - انسان - سجده کن ، تکبر می کنه و سر باز می زنه ! به خداوند می گه خدایا من رو از این کار باز دار و من آنچنان عبادتی تو رو می کنم که هیچ موجودی تا به حال اینگونه تو رو عبادت نکرده
  + خداوند می فرماید ، این عبادت به درد نمی خوره ، آنگونه که من می گویم باید انجام دهی
  + تکبر شیطان باعث می شه که از دستگاه الهی اخراج بشه
  + پس کینه ای از این انسان به دل می گیره که به خداوند می گه تا روز قیامت نمی زارم آب خوش از گلوی این بنده ی تو پایین بره ! قسم می خوره که نزاره هیچ انسانی به سعادت برسه
  + ولی خدا می فرماید ، تا روز معلوم به تو فرصت می دم ولی بدون که دستت به یک سری از بنده ی های خاص من نمی رسه
* جنگ شروع می شه !
* پس قانون مهمی که داریم ازش صحبت می کنیم اینه که بدونیم تو این مسیری که داریم حرکت می کنه ، موجود خبیثی وجود داره که دشمن راه راسته ، نمی زاره که تو پیروز این مسیر باشی
* شیطان جنگی رو شروع می کنه که تا به الآن ادامه داره . سپاهیانی رو فراهم می کنه که روز به روز کامل تر و مجهز تر می شن
* برای حرکتش استراتژی داره
* وقتی صحبت از سپاهیان شیطان می کنیم ، نیاز نیست خیال پردازی کنید . استراتژی های شیطان و سپاهیانش تو جای جای زندگی ما قابل رویته !
* یکی از مهمترین استراتژی های شیطان اینه که همیشه با یک پیشنهاد اغوا کننده وارد می شه ! حتی برای ماهایی که بار ها تصمیم گرفتیم که دیگه گول شیطان رو نخوریم ، باز هم پیشنهادی وسوسه کننده داره . همیشه ویترینش و بسته بندی پیشنهادش اغوا کنندست .
  + تو این کار پول خوبی هست
    - ولی پول سالمی نیست
  + لذت زیادی تو این اتفاقه
    - ولی سلامتی تو این لذت نیست
* یکی از استراتژی های مهم شیطان اینه که دشمن راه راسته !
  + همیشه کاری می کنه که جای خوب و بعد عوض بشه
    - خوب کار کنی = تراکتور
    - خوب درس بخونی = خر خون
    - زیرآبی بری = زرنگ
    - کلاهبرداری کنی = با هوش
  + می خوایی به یک فقیر کمک کنی ، هی می آد تو ذهنت که ولش کن ! پس خودت چی ؟! خودت کم می آری ! خودت نیاز داری ، نمی خواد کمک کنی و ...
    - در حالیکه خدا وعده داده ، ضمانت کرده که من مال صدقه دهنده رو چند برابر می کنم
    - تمام تلاش شیطان اینه که منو شما اصلاً متوجه نشیم که خداوند چه پیامی به ما داده
* یک سوال می پرسم ؛ شما چقدر حاضرید که پول بگیرید و آبروی بقل دستی خودتونو ببرید؟
  + شاید فکر کنید این سوال ، سوال عاقلانه ای نیست ، هیچ کس حاضر نیست اینکار رو انجام بده !
  + ولی بعضی وقتا تو یه حلتی که رفیقمون حواسش نیست و شاید حالت مناسبی نداره ، موبایل رو در می آریم ، ازش فیلم می گیریم ، واسه خنده و دور هم بودن این فیلم رو بلوتوث می کنیم و ... ! این اسمش آبرو بردن نیست ؟!!
* وقتی صحبت از سپاهیان شیطان می شه ، خیلی نمی خواد ذهنمون راه دور بره ! همین موبایل و خیلی چیزهای دیگه ی دوروبرمون رو اگر با یک نگاه دقیق ببینیم ، می بینیم که می تونن نقش سپاهیان شیطان رو برای رسیدن به اهدافش بازی کنن
* شیطان حمله هایی انجام می ده که هم آشکاره هم پنهان
  + غیبت : می فهمیم غلطه ولی وقتی مرتکبش شدیم یعنی مورد حمله ی آشکار شیطان قرار گرفتیم
  + کار خوبی می خوام انجام بدم ولی نیت من رو آلوده می کنه ، برای همین هر کاری می کنم به هدفم نمی رسم ؛ اینجا هم حمله ی پنهان شیطان رو می بینیم
* ممکنه به ظاهر شکست های کوچکی رو قبول کنه ولی همین عقب نشینی موجب می شه جبهه های بزرگتری رو فتح کنه
  + مثلاً من ترغیب می شم برم مجلس عزای امام حسین (ع) و مجلس گردانی و سخنرانی و مداحی این مجلس رو به عهده بگیرم ولی همین مجلس برای من می شه مقدمه ی کبر و غرور
* همیشه منتظره تا با ارزش ترین ها رو ازم بگیره
* می دونه که ضربه های وچک هم می تونه مقدمه ی ضربه های بزرگتر باشه
  + من اگر جیوی پدر و مادرم صدام رو ببرم بالا و سرکشی کنم ، این کار مقدمه ی سرکشی در برابر کسیه که به من نعمت داده ؛ پس می تونم جلوی خدا هم سرکشی کنم
* مقیاس و سنجش را عوض می کنه .
  + مثلاً وقتی یک آدم پولدار می بینم ، جلوش متواضعم چون پولداره ، حتی شاید در دلم معیار کمال آدمی چیزهای دیگه باشه . وقتی مبای تواضع من شد پول اونوقت کسی که پول کمتری داره یا سهم کمتری می بره ارزشش برام پایین تر می آد . برای همین میگم ارزش زن پایین تر از مرده چون ارث کمتری می بره ! مبنا ها عوض شده
* یکی از سپاهیان ویژه ی شیطان ، لشکر سرگرمی است .
  + افرادی که در حوزه ی موفقیت پیام می دن ، روی یک نکته ی مهم تاکید دارن که اگر می خوای برای چیزی وقتتو بزاری ، برای چیزی وقت بزار که می خوای موفقت کنه . در حالیکه هر هدفی که من دارم رو این سرگرمی مورد حمله قرار می ده . یا بگوه ای عمل می کنه که اهداف من تحت الشعاع ظواهر دنیا باشه .
  + برای همینه ک می گن دنیا مثل سایه می مونه هرچی بری دنبالش ازت دورتر می شه و اگر بهش پشت کنی ، می آد دنبالت
* و مهمترین استراتژی شیطان اینه که نمی ذاره هیچ ارزشی توی زندگی برامون باقی بمونه !
  + بچت برات عزیزه؟ ! کاری می کنم که داغ بچت به دلت بمونه
  + خانوادت مهمه ؟! چقدر سراغ داریم خانواده هایی رو که از هم پاشیدن ؟!
  + اعتقاداتت مهمه؟! هزارتا راه نا حق جلوی پات می زارم که راه حق رو گم کنی
  + ...
* پس چی شد؟! ما ها که دنبال موفقیت تو زندگی هستیم ، پس این چه نقشه ایه که خدا واسه ی ما گذاشته؟
* چجوری می شه خدا شیطان رو تو این دنیا ول کرده ، زور من هم بهش نمی رسه ، اونوقت می گه امتحانتم می کنم ؟!
* کی می تونه با این موجود مقابله کنه؟؟!
* برگردیم به داستان شیطان ! اگرر یادتون باشه ، خدا یک استثنایی برای شیطان گذاشت و گفت تو دستت به یکسری از بنده های من نمی رسه ! اونها در امانند
* من خدا یک قلعه ای درست کردم ، یک خانه ی امنی درست کردم که هر کس رفت توی اون خونه ، دست شیطان بهشون نمی رسه
* اگر شیطان این سگ حار تو این مسیر دنبالمونه ، خداوند راه نجاتی رو در کنار همین خطر برامون گذاشته که توجه به اون موجب نجات و موفقیت تو مسیر زندگیه!
* راه نجات خدا ، قانون ویژه ی خداست تو این نقشه که تمام دشمنی های شیطان حول این موضوعه که ما این راه نجات رو نشناسیم
* خداوند در هر زمانی در کنار این خطر بزرگ فردی رو قرار داده ، که با او بودن و در کنار او بودن راه نجات و سعادته
* خدا گفته اگر زورت به این شیطان نمی رسه - که نمی رسه - برو سراغ این آدما
* این قلعه ی امن خدا امروز ، در زمان ما در کنار تمامی سختیها و شیطنت ها ، آغوش باز جوانمردیه که حتی اگر تا امروز اون رو نمی شناختیم ، ما رو از بسیاری از خطر ها دشمنی های شیطان در امان نگه داشته
* فردی که خداوند فرموده در هر زمان حجت من و امام زمان شماست در امروز
* امام زمانی که برای ما معرفیشون کردند ، فردی که مصداق خدائی کردن خداست برای ما
* عزیزی که برای توصیفش او رو از پدر مهربانتر معرفی می کنند .
* آغوش پرمهر این از پدر مهربانتر تنها پناهگاه امن نجاتی است که خداوند برای سعادت و خوشبختی برای ما کنار گذاشته
* آغوشی که اگر به اون چسبیدیم ، اگر اون رو رها نکردیم می شیم مصداق اون آدمایی که خدا وعده داده که دست شیطان به ما نمی رسه
* پناه خدا برای امروز ما ، آغوش امن پدرانه ای که هدیه ی ویژه ی خداست برای من و شمای امروز وجود مقدس عصر مهدی صاحب زمان است
* مهدی بوده و هست ، این مائیم که باید برا نجات دست به دامن او شویم
* مائیم که آغوش پدرانه ی او رو نباید هیچ وقت ترک کنیم
* او پدری خودش رو می کنه ، من باید حواسم باشه که ناخلفی نکنم
* خوب که نگاه می کنم ، می بینم شاید از وجود او غافل بودم ولی او از من غفلت نکرده و بار ها و بارها من رو از سقوط و بدبختی نجات داده و شاید اففسوس این رو خورده که چرا چشمهام رو باز نمی کنم و حضور پر رنگ او رو در زندگیم نمی بینم
* حالا که خوشبختی رو می بینیم ، حالا که راه نجات رو پیدا کردیم ، حالا که مهربونی خدا رو تو زندگیمون حس می کنیم ، وقتشه که دست در دست این پدر مهربان ، نقشه ی زندگی رو به سمت خوشبختی ، طی کنیم
* و یادمون نره تمام لذتها یکطرف ، لذت در کنار این مهربون بودن و زندگی کردن و او را دیدن یک طرف
* اینهمه این پدر برای ما پدری کرده ، حالا بیاییم ما براش فرزندی کنیم ، بیاییم همه با هم ، یکدل و یک صدا خوشحالی او رو از خدا بخواییم
* و چه چیزی این عزیز رو خوشحال تر می کنه بیشتر از به اتمام رسیدن دوران غربت و تنهایی او
* پس بیاییم باهم پایان این دوران سخت رو از خداوند تمنا کنیم

اللهم عجل لولیک الفرج